رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت واحد نداریم؛ متاسفانه چند دولت داریم

۸ مقدمه برای اصلاح کشور

دست خود را به طرف مردم و کارشناسان دراز کنیم

عکس: آرمان ملی/ حجت سپهوند

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی:

قشر وسیعی از مردم در حال ناامید شدن از اصلاح کشور به دست جناح‌های موجود سیاسی هستند و کاهش مشارکت در انتخابات نشانه همین مساله است. با این حال اصلاح‌طلبان می‌توانند با طی مسیری مشخص از پذیرش عظمت مشکلات، اعتراف به کاستی‌ها، بازگشت به مردم، استفاده از کارشناسان، ارائه برنامه منسجم برای رفع مشکلات در همه زمینه‌ها تا استفاده از افراد شایسته برای اجرای برنامه، اداره کشور را با تحول روبه‌رو کنند. طبیعتا این راه سهل نبوده و موانع متعددی در آن وجود دارد که جریان اصلاحات باید آن را در نظر بگیرد. در همین راستا «آرمان ملی» گفت‌وگویی با رسول منتجب‌نیا فعال سیاسی اصلاح‌طلب داشت که در ادامه می‌خوانید.

در خرداد ۱۴۰۰ دو جریان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بنای رقابت با یکدیگر را دارند اما بعضی از مردم بر این باور هستند که دوران این دوگانه به سر آمده و هر دو جریان کاملا یکسان عمل می‌کنند. شما چه تفاوتی میان این دو جریان مشاهده می‌کنید؟

در کشور ۲ جریان قدرتمند سیاسی داریم که این دو جریان از ابتدای پیروزی انقلاب با عنوان و اسامی مختلف از آن‌ها یاد می‌شد. این دو جریان در حال حاضر با عناوین اصلاح‌طلبی و اصولگرایی مطرح می‌شوند. اصلاح‌طلبان از نظر ساختار حزبی و جبهه‌ای دارای ظرفیت و موقعیت خاصی در جامعه هستند. به عنوان مثال حدود ۲۰ درصد واجدین شرایط رای دادن، از حیث شخصی و سازمانی، به اصلاح‌طلبان گرایش دارند. گذشته از این مسأله ساختاری، از حیث محتوایی و تاریخی، اصلاح‌طلبان بار بسیار سنگینی بر دوش دارند، زیرا از یک سو اصلاح‌طلبان از نظام و انقلاب حمایت می‌کنند، از سوی دیگر انتقادات اساسی به روند اداره کشور و عملکرد مسئولان دارند. این انتقادات هم در بعد نظری و هم در بعد عملی است و از همین رو شعار اصلاحات را انتخاب کرده‌اند، یعنی ما کلیت نظام را قبول داریم، در عین حال به شدت طرفدار تغییر و تحول بنیادین هستیم. تغییر، هم در ارتباط با قوانین و ساختار قانونی و هم در ارتباط با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است. علاوه بر این، پیکان انتقادات به سمت مسئولان نیز می‌رود. این خلاصه‌ای از دو بعد اصلاح‌طلبی در زمینه‌های ساختاری و محتوایی است. اصولگرایان نیز ظرفیت خاص و غیر قابل انکاری در جامعه دارند. اصولگرایان حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد سبد رای جامعه را به خود اختصاص می‌دهند. در بعد نظری و عملی نیز آن‌ها دیدگاه دیگری دارند. آنان هرگز ادعای اصلاح نداشته و ندارند. نوعا از وضعیت موجود راضی بوده، بلکه آن را بهترین گزینه می‌دانند و بسیاری آن را تنها گزینه مطلوب، خدا پسندانه و مورد توجه اولیا... می‌دانند. این دیدگاه عمده اصولگرایان است. به دلیل مطلوب دانستن وضعیت موجود از سوی این افراد، مسئولیت آن‌ها بسیار کمتر است. تنها تلاش این جریان برای تقویت نظام در همین وضعیت موجود بوده و رسالت و وظیفه آنها به عنوان امری تعبدی، شرعی و دینی حمایت کردن از مسئولان، ولایت فقیه و ساختار نظام در همین حد است. اگر اصلاحی نیز صورت گرفت، برای اصولگرایان امری فرعی است و اصل و اساس این است که می‌گویند، باید همین وضعیت موجود را حفظ کنیم. این تفاوت ماهوی میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در جامعه وجود دارد.

تعداد زیادی از چهره‌های جریان اصلاحات به دنبال این هستند که در انتخابات ریاست جمهوری اعلام نامزدی کنند، این امر موجب ایجاد اختلاف در دو جریان نخواهد بود؟

اصلاح‌طلبان با توجه به دو وظیفه سنگینی که بر عهده دارند، خصوصا رسالت تاریخی، اگر با روش‌های تبلیغاتی، سیاسی و پوپولیستی صرفا تلاش در جهت سنگین کردن سبد رای خود اکتفا کنند و هدف آنها این باشد که کرسی‌های مجلس، شوراهای شهر و ریاست جمهوری را به دست بیاورند و این موضوع هدف باشد، هم ظلم به اصلاحات و هم خیانت به کشور و ملت است. به عبارت دیگر روزنه امیدی که می‌تواند برای جوانان امروز و نسل آینده وجود داشته باشد، با این برخورد و عمل مسدود شده و آیندگان برای همیشه از اصلاح امور مایوس می‌گردند. اگر هر حزبی از اصلاح‌طلبان در انتخابات خرداد، به دنبال این باشد که نیروهای خود را به کرسی بنشاند، فراموش کردن هدف و رسالت اتفاق افتاده است. این امر را می‌توان فرصت‌طلبی در حقوق جریان اصلاحات تلقی کرد.

با این تفاسیر چه مسیری را می‌توان برای آینده جریان اصلاحات متصور بود که در حدود رسالت تاریخی قرار بگیرد؟

صرف نظر از اینکه چند درصد امید پیروزی و موفقیت وجود دارد، اصلاح‌طلبان باید اقدام اساسی انجام دهند و به رسالت سیاسی خود مقید و پایبند بوده و سپس عمل کنند. برای تحقق این رسالت چند مقدمه باید مورد توجه قرار بگیرد، تا بتوانند در سال ۱۴۰۰ تحول و حرکتی صورت گرفته و اصلاح‌طلبان ماندگار شوند. اولین مقدمه این است که اصلاح‌طلبان بپذیرند، کشور و نظام، امروز دچار چالش‌های سخت و جدی شده است. وضعیت از حالت بحران نیز گذشته است. کشور ما به دلایلی که اشاره خواهم کرد، دچار کمی سردرگمی شده است. باید وجود مشکل را بپذیریم. مسأله تنها ضعف مسئولان نیست که فردی رفته و فردی دیگر بیاید و مشکلات رفع شود. هر کس که بیاید و برود، این کلاف به هم پیچیده مقابل روی او خواهد بود و قادر به حل مشکل در حد مطلوب نخواهیم بود. باید بپذیریم با دست خود نظامی برآمده از انقلاب را به این روز و سرنوشت رسانده‌ایم که اکنون در معرض خطر قرار دارد. مقدمه دوم این است که ادامه این روند باعث آسیب رسیدن بیش از پیش به کشور و ملت خواهد بود و غرق شدن کشتی و همه سرنشینان آن در کمین ماست. خدایی ناخواسته، اگر حادثه‌ای برای کشور به وجود بیاید، اصلاح‌طلب، اصولگرا و این حزب و آن حزب و مسائلی از این دست تفاوتی نداشته و همه با هم غرق خواهند شد. این نکته نیز باید پذیرفته شود. مقدمه سوم این است که باید باور داشته باشیم برای حل مشکلات راه حل‌هایی وجود دارد. نباید قطع امید کنیم و ناامید شویم. یکی از ادله رسیدن به این وضعیت، این بود که ما مغرور و دچار خودشیفتگی شدیم. دست خود را به طرف مردم و کارشناسان دراز نکردیم. معتقدم، کشور باید به سمت مردم رو کرده و از آنان کمک بطلبد.

استفاده از کارشناسان بارها و در نهادهای گوناگون انجام شده و اکنون نیز پیوسته در حال انجام گرفتن است. چه تفاوتی میان روند کنونی و نظر شما وجود دارد؟

باید از نخبگان، صاحب‌نظران و کارشناسان دلسوز و متعهد استفاده شود. این استفاده نیز نباید به صورت تبلیغی و تعارف باشد. باید به طور طبیعی از همه خواسته شود که آستین را بالا زده و برای حل این بحران‌ها تلاش کنند. چنین کاری تاکنون به صورت جدی صورت نگرفته است. مقدمه چهارم این است که به جای اینکه هر حزب اصلاح‌طلبی برای خود ۲، ۴ یا ۵ نامزد داشته باشد و تلاش کند تا نیروهای حزب خود را بدون توجه به معیارها بر کرسی بنشاند، تمام اصلاح‌طلب‌ها رسما اعلام کنند که مردم، ما می‌خواهیم و می‌توانیم مشکلات کشور را حل کنیم. همه هماهنگ و یکدست شده، از دلسوزان اصلاح‌طلب نیز کمک بطلبند و بگویند این مشکلات و بحران‌ها حل نشدنی نیست. بگویند ما می‌توانیم و مصمم هستیم که تغییر ایجاد کنیم. مصمم هستیم تا تحول ایجاد کنیم. چنین عزم جزمی از سوی اصلاح‌طلبان اعلام شود و مردم از آنان حمایت کنند. مقدمه پنجم آن است که رسما اعلام کنند، مشکلات ساختاری نظام معلول عللی مانند تداخل مسئولیت‌ها، جزیره‌ای عمل کردن، نهاد محوری، شخص محوری و مسائلی از این قبیل است. همه اینها به جای قانون و عقلا محوری در کشور ما تاثیر گذاشته و نقش می‌آفریند. با این وضعیتی که الان وجود دارد، می‌بینیم اگر چه اختیارات دولت کم نیست اما در نهایت ضعف قرار دارد. باید بپذیریم که در کشور یک دولت نداشته و دولت‌های متعدد داریم. تداخل، خود محوری، نهاد محوری و تضاد غوغا می‌کند. باید رسما اعلام شود، هر کس می‌خواهد به عنوان مسئول اجرائی در راس دولت قرار بگیرد، تمام قدرت و اختیارات این حوزه را در دست داشته و تنها او پاسخگو باشد. معنا ندارد که ۱۰ دولت در کشور وجود داشته و رئیس جمهور نیز یکی از ۱۰ دولت باشد. در عین حال پاسخگوی همه ضعف‌ها و مشکلات نیز همان شخص رئیس جمهور باشد، در صورتی که دولت‌های دیگری نیز وجود دارند. همه افراد و نهادها باید به جایگاه خود بازگردند. امروز بعضی از نهادها همه کاره هستند و در همه امور به هر صورت دخالت می‌کنند. این نهادها با بودجه‌ها و اعتبارات کلان و بدون حساب و کتاب فعالند و این مسائل باید رفع شود. نهادها، افراد و اشخاص قدرتمند باید به جایگاه خود بازگشته و کارها را به کاردانان، مسئولان و نهادهای مربوط بسپارند. این اتفاق بزرگی است که باید انجام شود اما نظام در حال حاضر ظرفیت چنین اتفاقی را نداشته و مسئولان این تحمل را ندارند. بسیاری از کارهای انجام شده باید تعطیل شود، رشته‌ها پنبه شود، بسیاری به کار خود بازگردند و نهادها مسئولیت خود را شناخته و به آن باز گردند. این تحمل وجود ندارد اما اگر دولت و نظام به دنبال رفع این بحران باشند و بخواهند کشتی را از گل بیرون بیاورند، تنها راه، سپردن کار به دولت و مسئولان قانونی است. دولت باید مقتدر باشد و سایرین نیز حامی او باشند. ششمین مقدمه این است که برای رفع مشکلات، برنامه‌های منسجم علمی، کارشناسی و عملی وجود داشته باشد.

تفاوت این مقدمه با مقدمه دوم در چیست؟

نکته این است که باید به جای شعارمحوری، دخالت دادن عناصر و عوامل انحرافی، برنامه محور باشیم. هر کس و هر جناحی که می‌خواهد دولت را در دست بگیرد، اعلام کند که کشور در شرایط بحرانی قرار دارد و من می‌خواهم با این برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی کشور را اداره کنم. برنامه در اختیار مردم گذاشته شود و مردم به برنامه رای بدهند. متاسفانه نظام حزبی نداریم و احزاب ما برنامه ندارند. حداقل خود این جبهه‌های موجود، برنامه‌های منسجمی ارائه کند. اگر چه زمان گذشته اما برنامه‌ها را در همین زمان اندک تنظیم کنند. دولت‌های گذشته برنامه‌ای نداشتند. در دوران اصلاحات و مرحوم هاشمی کارهایی انجام می‌گرفت اما به صورت برنامه‌ای منسجم و هماهنگ نبوده است. برنامه برای حل مشکلات، نجات کشور و به حرکت درآوردن این کشتی کار بزرگی بوده و لازم است. اصلاح‌طلبان که داعیه اصلاحات دارند، تلاش و برنامه مشخصی ارائه کنند.

جبهه اصلاحات کنونی همین وظیفه را نیز به عنوان یکی از وظایف خود اعلام کرده است.

اینکه بنشینیم، نهاد اجماع‌ساز درست کنیم و بدون یک برگ برنامه نامزدی برای انتخابات معین کنیم، رویکرد فعلی بوده و بدون برنامه کارشناسانه پیش می‌رود. این همه مدت گذشت، باید الان ما اصلاح‌طلبان برنامه معینی داشته باشیم و بگوییم برنامه ما برای نجات کشور این است. می‌توانیم اقتصاد کشور را نجات بدهیم، مسائل کشور را حل کنیم، مسائل بین‌الملل را حل کنیم اما برنامه کجاست؟ باید برنامه منسجمی ارائه شود. اگر مردم به برنامه رای دادند، موفقیم. اگر هم ندادند، در آینده کسانی که برنامه دارند و کسانی که برنامه ندارند را مشخص خواهد کرد. بنابراین اگر این شرایط ایجابی و سلبی با شهامت از سوی اصلاح‌طلبان اعلام شود و بگویند، این نهادها باید کنار بروند، این نهادها باید دخالت نکنند، دولت باید قدرت داشته باشند و ما اگر این شرایط محقق شود، مشکلات را حل می‌کنیم و کشور را از بحران نجات می‌دهیم. در این شرایط در کشور تحول ایجاد می‌شود و مردم امیدوار خواهند شد. هفتمین مقدمه برای حل بحران‌ها این است که قوی‌ترین، کارآمدترین و مجرب‌ترین فرد از هر حزب و تشکیلات و حتی خارج از احزاب اصلاح‌طلب اما با گرایش همسو، انتخاب شود. فردی مقتدر بدون در نظر گرفتن هر رابطه‌ای که داریم، با تکیه بر سلامت و شایستگی به مسئولیت‌ها گماشته شود. برنامه اعمال شود و خود آن فرد یا افراد نیز برنامه خود را ارائه دهد تا بدانیم مقتدرترین فرد و جامع‌ترین برنامه برای مردم ارائه شده است. هشتمین مقدمه این است که اگر این اقدام انجام شود، هم موجب امید و نشاط مردم می‌گردد و هم اعتماد و مشارکت حداکثری مردم را در پی خواهد داشت. مخالفت‌هایی با این رویکرد وجود دارد اما این راه یک مبارزه برای تغییر است و تغییر هزینه دارد. منافع بسیاری در این مسیر در خطر قرار می‌گیرد و به محض اینکه این مسائل طرح شود، افراد تکفیر می‌شوند و بگیر و ببند آغاز می‌شود. اصلاح‌طلبان باید این هزینه‌ها را بپردازند و نقش تاریخی خود را انجام دهند. در نهایت با این اقدام شجاعانه و رسالت تاریخی که اصلاح‌طلبان بر عهده دارند، آنان می‌توانند کشتی را به آب انداخته و مردم را از بحران خارج کنند. انسان از این پاس دادن مسئولیت‌ها احساس شرم می‌کند و مسئولان گاهی از حل کوچکترین مشکل باز می‌مانند.

محسن رهامی در نشست خبری:

دلیلی برای رد صلاحیتم نمی‌بینم

ادامه از صفحه ۲

اصلاح الگوی مصرف، افزایش بهره وری، کاهش خام فروشی و تولید ارزش افزوده، تقویت بیمه بیکاری، تولید انرژی پاک، حل مشکل کمبود آب و اصلاح الگوی کشت، تعامل علمی و سیاسی با دنیا بر اساس چارچوب‌های کشور، مقابله با آلودگی هوا و حفظ محیط زیست، مقابله با آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد و مهاجرت و حاشیه نشینی، توسعه متوازن و تامین عدالت اجتماعی، کوچک کردن دولت، ارزان کردن هزینه‌های دولت و کاهش تشریفات در دولت، توسعه اختیارات شورای شهر، واگذاری اختیارات از مرکز به شهرها بخشی دیگر از برنامه های من است. این نامزدانتخابات ریاست جمهوری بیان کرد تلاش می کنم لایحه عفو عمومی در دولت تهیه کرده و به مجلس ارسال کنیم تا اگر کسی دزدی از اموال عمومی نکرده یا دستش به خون مردم آغشته نیست، به کشور بازگردد و آنها سرمایه‌های خود را به کشور بیاورند. من همه ایرانیان را به کشور دعوت می کنم. این داوطلب انتخابات ریاست جمهوری تصریح کرد: می‌خواهم پیام صلح به کشورهای مختلف از جمله کشورهای همسایه و اسلامی ارسال کنم تا فضای آشتی و صلح ایجاد کنیم و سرمایه و تکنیک و علم وارد کشور کنیم و من به این مسائل سیاسی نگاه نمی کنم. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب خاطرنشان کرد: من عدالت جنسیتی و مذهبی را پیاده می کنم. نصف کابینه خود را به زنان اختصاص می دهم. چرا تاکنون یک وزیر زن نداشته‌ایم؟ دولت ملی یعنی اقوام و مذاهب باید در اداره کشور نقش داشته باشند. نباید نگاه امنیتی به اقوام و مذاهب داشت. وی در خصوص کناره گیری به نفع ظریف عنوان کرد: ظریف تا اینجا اعلام کرده است که نمی آید. اگر ظریف بیاید، نحوه دستیابی به اجماع اهمیت دارد. من در این زمینه مدل دولت ائتلافی را مطرح کرده ام و با سایر داوطلبان انتخابات هم در این زمینه جلسه خواهم داشت. وی درباره احتمال تایید صلاحیت خود و مهمترین رقیب خود در میان اصولگرایان اظهار کرد: ابراهیم رئیسی مهمترین رقیب من است. من هیچ نقطه خاکستری در زندگی خود ندارم و بر اساس سوابق خود دلیلی برای ردصلاحیتم نمی‌بینم.

یادداشت

یک بار هم تو بگو!

احمد زیدآبادی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

علیرضا معزی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور گویا از طریق توئیتر به بازتاب سخنان حسن روحانی در مورد لزوم تغییر ذائقهٔ ایرانیان از گوشت قرمز به آبزیان، واکنش نشان داده است. در گزارشی که برخی رسانه‌ها از توئیت‌های آقای معزی تحت عنوان «پشت پرده یک عملیات روانی علیه روحانی؛ از صدا و سیما تا بی بی سی!» منتشر کرده‌اند، تصویری از مطلبِ «یعنی لوش بخوریم» نیز ضمیمه گزارش شده و در ذیل آن، به نقل از معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور آمده است: «فراتر از کانال‌های تلگرامی و مجریان نورسیده، حتی سیاستمداران شناخته شده نیز در تله بازی‌های روانی افتادند و این زنگ خطری است که حتی تحلیلگران نیز به سادگی مرعوب محتوای جعلی و زرد شبکه می‌شوند بی‌آنکه به اندازه دیدن یک ویدیوی کمتر از دو دقیقه درنگ کنند.» اگر مخاطب این بخش از سخنان آقای معزی یکی هم من باشم، اولا باید تأکید کنم که نقش مخلص در سیاست در واقع «سیاست‌نداری» است تا سیاست‌مداری! حالا چرا؟ خب، توضیحش بماند برای بعد چون بیم دارم که توضیحاتم در این زمینه را آقای معزی به خود بگیرد، در حالی که روی سخنم در این بحث با وی نیست. ثانیا، مراجعه به متن خبر برای اظهارنظر درباره آن، برای من یک قاعده بنیادی است حتی اگر طرف جزو دشمنان قسم خورده بشریت باشد! با این همه، انسان را از ریشه نسیان دانسته‌اند و سهو و خطا در کار این موجود دو پا طبیعی است. به نظر من، انسان رشدیافته کسی است که اگر سهو خطا و نسیانی از او سر زد درصدد توجیه آن برنیاید و روشن و آشکار به آن اعتراف کند. این هم قاعده بنیادی دوم من در نوشتن است. ثالثا، بر مبنای همان قاعده دوم، همین که متوجه اشتباهم در اعتماد به تیتر برخی رسانه‌ها درباره اظهارات رئیس جمهور شدم، با تکیه بر متن خبر، بلافاصله تکمله‌ای به مطلب «یعنی لوش بخوریم؟» افزودم و توضیح لازم را در این باره دادم. رابعا، تا آنجا که به من مربوط می‌شود، قصد هیچ نوع عملیات روانی نه فقط علیه حسن روحانی بلکه علیه هیچ انسان دیگری در هر موقعیت و مقامی را ندارم و گمان نمی‌کنم هر انتقادی حتی ناموجه به معنای حضور در یک جنگ روانی با پشت پرده رازآمیز باشد! خامسا، اظهارات آقای معزی درباره وجود شبکه‌ای برای جنگ روانی علیه رئیس جمهور آن هم از صدا و سیما گرفته تا بی بی سی فارسی، به نظرم بازتابی از وضعیت ذهنی حاکم بر دستگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری است که نه فقط رقبای اصولگرای داخلی، بلکه بخش بزرگی از عالم رسانه را در حال توطئه علیه خود تصور می‌کنند! این نوع تصورات متأسفانه می‌تواند به بدگمانی‌های بیمارگونِ ناشی از باور به «تئوری توطئه» در سطح کلان جهان منجر شود. سادسا، وقتی کسی بر صندلی ریاست جمهوری می‌نشیند باید پیشاپیش پیه این نوع واکنش‌های اجتماعی را به تن خود بمالد، بخصوص اگر در ادارهٔ صحیح جامعه و بهبود حالِ اقتصاد و معیشت مردم به هر دلیلی ناکام مانده باشد. به هر حال، انقلاب رسانه‌ای امکان اظهار نظر آحاد مردم را در مورد همه امور عالم فراهم کرده است و در این میدان لزوما هم، همگان حرف حق و منصفانه نمی‌زنند. بنابراین، دیگر با هیچ شیوه‌ای نمی‌توان دهان افراد را دوخت یا همه آنها را وادار به اظهارنظر منصفانه کرد و یا حرف‌هایشان را به توطئه‌ای فراگیر در پشت صحنه نسبت داد. البته برای کسانی که واقعا بی‌دلیل مورد هجوم قرار می‌گیرند، بعضاً توضیح و روشنگری ضروری است، اما حرف آخر را در این میدان، صبر و تحمل و دنده پهن می‌زند! و نکته آخر هم اینکه، حالا که لااقل برخی از نوشته‌های من از نظر همکاران رئیس جمهور پنهان نمی‌ماند، از قول من به او بگویند حالا که آقای کروبی به علت زمین‌خوردگی برای چندمین بار در بیمارستان بستری شده است، نمی‌خواهی در آخرین ماه‌های حضورت در پاستور در مورد ضرورت پایان حصر موضعی علنی و روشن و صریح بگیری؟ می‌دانم که خواهد گفت؛ اثری ندارد، یا اثر عکس دارد و یا از سوی رقبای اصولگرایش با اتهام بهره‌برداری تبلیغاتی و انتخاباتی از این ماجرا روبه‌رو شود! اینها هیچکدام مهم نیست! مهم این است که ما از بس که گفتیم رفع حصر شود، خسته و ذله شدیم، حالا یک بار هم او بگوید! به جایی برنمی‌خورد!

روی خط

احمدی‌نژاد می‌خواهد رد صلاحیت شود تا مواضع تندتر بگیرد

ناصر ایمانی:

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص گفتمان‌های حاکم بر انتخابات اظهار داشت: اساسا گفتمان در تمامی انتخابات‌های ما به خصوص انتخابات‌های گذشته نقشش کم‌رنگ بوده است؛ یعنی از طریق گفتمان هیچ یک از جریان‌های سیاسی به قدرت نرسیدند. بلکه عمدتا از طریق ایجاد یک هیجان سیاسی توانستند موفق بشوند. ناصر ایمانی گفت: از سال ۷۶ همه انتخابات‌ها در بستر هیجان و به نوعی فضای احساسی بود و در این شرایط جریان‌های سیاسی تلاش کردند آرای مردم را به سمت خود جذب بکنند. نه اینکه واقعا گفتمانی طی سالیان گذشته‌اش وجود داشته که مردم طرفدار آن گفتمان شدند و به دلیل آن گفتمان، به آن کاندیدایی که برازنده آن گفتمان بود، رای داده باشند. وی افزود: رای فرد منتخب در انتخابات ۹۶ با نفر دوم، چند میلیون اختلاف داشت. ضمن اینکه در سال ۹۶ فضا به شدت دوقطبی شد؛ یعنی دوقطبی کردند. هرچقدر که فضا هیجانی و دوقطبی بشود، از گفتمان فاصله می‌گیرد. ایمانی بیان کرد: بین دوقطبی شدن و رقابتی شدن فضای انتخابات تفاوت وجود دارد. آن چیزی که مذموم است، دوقطبی شدن است. آن چیزی که بسیار مورد تایید است، رقابتی شدن است. این دو، دو مفهوم متفاوت هستند .دوقطبی شدن به معنای این است که یک فضای دروغین، کاذب و به شدت سیاه و سفید به وجود بیاید که مردم احساس بکنند اگر به این فرد رای بدهند بهشت می‌شود و اگر به آن فرد رای بدهند، جهنم درست خواهد شد. در چنین فضایی احساسات بر منطق و عقلانیت غلبه خواهد کرد .فضای رقابتی، فضایی است که در آن رقابت است، اما سیاه و سفید نیست. دو کاندیدا یا چند کاندیدا با گفتمان‌ها و برنامه‌های مختلف با یکدیگر رقابت خواهند کرد. وی ادامه داد: آن کسانی که می‌گویند دوقطبی خوب است، منظورشان دوقطبی نیست و رقابت است. بله رقابت خیلی خوب است. ضمن اینکه هیچکس تمایل ندارد که یک نفر کاندیدا بشود، در نتیجه هیچ رقابتی وجود نداشته باشد و مردم هم فقط به آن یک نفر رای بدهند که البته آن دیگر انتخابات نیست، چون رقابتی در آن صورت نگرفته است. این فعال اصولگرا بیان کرد: یکی از چیزهایی که در انتخابات ۱۴۰۰ برجسته خواهد شد، مساله روابط خارجی است. جریان اصلاح‌طلب هیچ شعار و مضمون دیگری ندارد تا مردم را به نفع کاندیدای خود به پای صندوق‌های رای بکشاند. آنها فضا را در این رابطه دوقطبی می‌کنند و می‌گویند اگر کاندیدای ما رای نیاورد، ارتباطات‌مان با جهان خراب خواهد شد. همان اتفاقی که در انتخابات ۹۲ و تا حدودی در انتخابات ۹۶ رخ داد.

فرارو

حشمت‌ا... فلاحت پیشه:

اگر ساختار تحریم شکسته شود یک پیروزی است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به مذاکرات برجامی اظهار کرد: موضوع اختلافی در روند مذاکرات وجود ندارد آن میزان که در ایران آن را به سطح یک تقابل سیاسی ارتقا می‌دهند شاید در آمریکا موضوع مذاکرات خیلی بیشتر محل اختلاف باشد تا در ایران. با وجود مسایل اختلافی و تحریم‌هایی که ترامپ وضع کرد علیه ایران و تحریم‌هایی که تحت عناوین دیگر وضع کرد، در ایران مسیر و چارچوب مشخص است. حشمت‌ا... فلاحت پیشه افزود: شورای عالی امنیت ملی خطوط قرمز و چارچوب مذاکرات را مشخص می‌کند و مذاکره کننده هر کسی باشد در تماس دائم با شورای عالی امنیت ملی کار را پیش می‌برد و الان مسئولان از مذاکرات وین برگشتند که متن قابل توافق را به نظر مسئولان عالی کشورشان برسانند تا در صورت توافق بر سر آن مذاکرات به مراحل بعد در سطح وزیران خارجه کشورهای عضو برجام منتقل شود. وی اظهار کرد: گفته می‌شود آمریکایی‌ها سه نوع تحریم قابل لغو، قابل تعلیق و غیرقابل رفع را مطرح کردند و اتفاقا چالش اصلی بر سر نوع سوم است که بخش اعظم تحریم‌های ثانویه که باعث می‌شود حتی اگر برجام احیا شود ایران مزیت دسترسی به منافع مالی‌اش را پیدا نکند. در هر حال الان به مرحله تدوین پیش‌نویس رسیدند، اگر ایران و آمریکا بتوانند امضای مسئولان عالی‌شان را بگیرند، طبیعی است که در جلسه بعد وزیران حضور پیدا می‌کنند و تفاهم نهایی می‌شود. این نماینده پیشین مجلس اظهار کرد: مسایل اختلافی ناشی از سه نوع دغدغه در ایران است، اول در میان کسانی است که تاریخی اعتماد به آمریکا ندارند و اقدامات ترامپ موضع آنها را تقویت کرد و نگاه دلسوزانه دارند اعم از اصولگرا و غیراصولگرا و معتقدند نباید اعتماد کرد و باید برای بازگشت به تعهدات طرف مقابل هزینه دهد و ایران نباید فریب بخورد و طرفدار یک توافق محکم هستند. دسته دوم کسانی هستند که با دید سیاسی مساله را می‌بینند و نگاه جناحی دارند و می‌خواهند دولت روحانی در هر موضوعی شکست خورده تلقی شود و این مساله به گروه‌های طرفدار روحانی تسری یابد و مساله را انتخاباتی می‌بینند، اگر با دید سیاسی به این افراد نگاه شود معتقدم با همان دید سیاسی هم باید پاسخ‌شان را داد. وی ادامه داد: دسته سوم که همان لایه پنهان هستند که کاسبان تحریمند و اوضاع بی‌سامان اقتصادی کشور برای آنها سود کلانی داشته است، رانت‌خوار هستند و عادت به کار اقتصادی سالم ندارند و رانت خوار غیرمولد هستند، یعنی کسانی که فقط خودشان را می‌بینند. از این رو هر چه روابط سیاسی و اقتصادی کشور شفاف شود و سیاست‌های تعامل سازنده با دنیا و تنش‌زدایی در پیش گرفته شود اینها را ناراحت می‌کند. اینها دنبال شکست دیپلماسی هستند. فلاحت پیشه تصریح کرد: معتقدم یکی از دلایل که این بحث‌ها در جامعه شکل گرفته است ناشی از ماهیت دولت آقای روحانی است که دولتی قوی ظاهر نشد و نتوانست حتی از حقانیت خودش دفاع کند. الان هم معتقدم دیپلماسی عمومی دولت خیلی ضعیف است در حالی که باید واقعیات را شفاف بیان کنند. این نماینده پیشین مجلس گفت: واقعیت این است که در عرصه بین‌الملل دیپلماسی یعنی کوتاه کردن سنگرهای جنگ و عقب نشاندن توپخانه‌های متقابل. در برجام هم هیچ یک از طرف‌ها به حد مطلوب نرسیدند، اما طرف‌ها به حد مقدور خواسته‌هایشان رسیدند. بعد از ضرباتی که به برجام وارد شد و ایران نیز از تعهداتش برگشت، فضای بی‌اعتمادی شدت یافت و معتقدم طرف‌ها نمی‌توانند با خواسته‌های حداکثری‌شان به نتیجه برسند. وی تصریح کرد: معتقدم اگر ساختار تحریم بشکند و به یک باره شرایط بعد از اجرای برجام در سال ۱۳۹۴ ایجاد شود، گشایش بزرگ اقتصادی، روابط خارجی و منطقه‌ای ایران شکل می‌گیرد که اثرات زیادی در کشور و نیز سطح منطقه خواهد داشت. نباید کشور را به نگاه‌های محدود و سیاست‌های تنگ‌نظرانه اداره کرد و در این مسیر باید با رویکرد رو به جلو برخورد داشت.

دریچه

دبیر ستاد حقوق بشر:

ژاپن به نهضت جهانی، فراگیر و استثناناپذیر خلع سلاح بپیوندد

دبیر ستاد حقوق بشر و معاون بین‌الملل قوه قضائیه، در دیدار «کازو توشی آیکاوا»، سفیر ژاپن در ایران، حقوق بشر را ارزش مقدس انسانی خواند و گفت: غربی های مدعی حقوق‌بشر سیاه‌ترین کارنامه نقض حقوق ملت‌های جهان را دارند و از این نظر با فاصله بسیار زیاد و دست‌نیافتنی رکورددار نقض حقوق بشر در طول تاریخ بشریتند. علی باقری کنی با اشاره به این که دو ملت ایران و ژاپن بزرگ ترین قربانیان سلاح کشتار جمعی در قرن بیستم هستند، تصریح کرد: هیروشیما و سردشت نماد بارز جنایت آمریکا و اروپا علیه بشریتند و به همین جهت ایران و ژاپن سزاوارترین کشورها برای پرچمداری مبارزه با سلاح های کشتار جمعی و دفاع از قربانیان این سلاح ها هستند .دبیر ستاد حقوق بشر در ادامه با اشاره به اراده جمهوری اسلامی ایران برای استیفای حقوق ملت ایران از دولت‌های ناقض حقوق ملت ایران به ویژه آمریکا و اروپا، با دعوت از طرف ژاپنی برای پیوستن به ابتکار ایران در زمینه خلع سلاح کشتار جمعی اظهار داشت: تهران و توکیو می‌توانند با ایجاد نهضت جهانی خلع سلاح کشتار جمعی جبهه‌ای به وسعت همه انسان ها برای مقابله با سازندگان، تولیدکنندگان، فروشندگان و استفاده کنندگان از سلاح‌های کشتار جمعی به وجود بیاورند که نتیجه آن اهدای صلح و امنیت به جهانیان است.وی با اعلام آمادگی برای هم اندیشی و همکاری با طرف ژاپنی برای ایجاد این نهضت جهانی، افزود: تفاوت نهضت جهانی خلع سلاح کشتار جمعی با کنوانسیون های بین المللی مشابه آن است که برخلاف معاهدات بین المللی در زمینه خلع سلاح که عمدتاً قدرت‌های بزرگ را از شمول خلع سلاح مستثنی می کند، نهضت جهانی خلع سلاح کشتار جمعی فراگیر، همه‌جانبه و استثناناپذیر است.باقری کنی در بخش دیگری از سخنان خود به مشکلات ایرانی ها در زندان‌های ژاپن اشاره کرد و از سفیر ژاپن خواست برای بهبود شرایط این دسته از زندانیان و زمینه‌سازی برای انتقال آنان به ایران تدابیر لازم اتخاذ شود .